

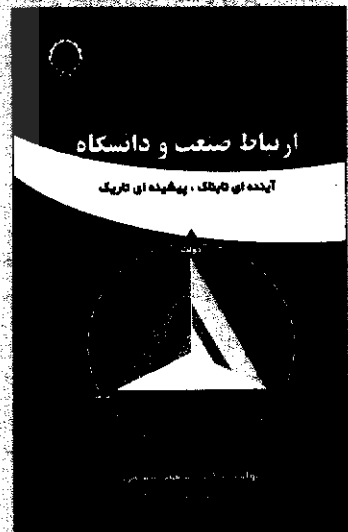


ارتباط صنعت و دانشگاه آینده‌ای تابناک، پیشینه‌ای تاریک

مؤلف: دکتر مسعود شفیعی

استاد دانشگاه صنعتی امیرکبیر

انتشارات دانشگاه صنعتی امیرکبیر



یکی از مسائل مهم و شاید مهم‌ترین مسئله توسعه «ارتباط صنعت و دانشگاه» است که در حقیقت ارتباط بایسته‌ای نیست. کتاب آقای دکتر شفیعی به خوبی ما را با این مسئله مهم آشنا می‌کند. برای معرفی کتاب، مقدمه‌ای را که استاد دکتر شفیعی نوشته‌اند عیناً نقل می‌کنیم.

امروزه ارتباط بخش‌های کلیدی جامعه با یکدیگر برای داشتن سازوکار مناسب و فرآیند کافی، مورد توجه و اطمینان نظر صاحب‌نظران و سیاست‌گذاران قرار گرفته است. دانشگاه و صنعت نیز به‌عنوان دو پایه بنیادین جامعه و پیش‌برنده ماشین توسعه در کشور، به ضرورت ماهیت وجودی و درهم‌تنیدگی نیازهای روزافزون آنها به یکدیگر، باید ارتباطی درست، منظم و پیوسته با یکدیگر برقرار کنند. اصولاً پیدایش فن‌آوری‌های امروز محصول طبیعی برهم‌کنش و تعامل دانشگاه و صنعت است. علم و فن‌آوری امروز جهان حاصل چنین ارتباطی است.

چگونگی ارتباط این دو پدیده از دیرزمان، مورد عنایت صاحب‌نظران و برنامه‌ریزان کشورها - به‌ویژه کشورهای در حال توسعه - قرار گرفته است. در کشور ما نیز صاحب‌نظران اقتصادی و اجتماعی با درک ضرورت چنین فرآیندی، تلاش‌هایی به‌عمل آورده‌اند که از جمله در قالب «کنگره سراسری همکاری‌های دولت، دانشگاه و صنعت برای توسعه ملی» به نمایش گذاشته شده است.

مؤلف از نخستین روزهای طرح اندیشه ارتباط دانشگاه و صنعت تا برگزاری کنگره اول در دانشگاه تبریز، کنگره دوم در دانشگاه فردوسی مشهد، کنگره‌های سوم و چهارم در دانشگاه صنعتی امیرکبیر، کنگره پنجم در دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی و تأسیس دبیرخانه دائمی کنگره در دانشگاه صنعتی امیرکبیر، و کنگره ششم توسط وزارت ارتباطات و فن‌آوری اطلاعات با همکاری دبیرخانه دائمی، توفیق همراه شدن و همراه بودن با این پویش را داشته و دارد؛ چه در کنگره‌های سوم، چهارم و ششم که دبیری کنگره را عهده‌دار بوده است و چه سایر کنگره‌ها که هم‌به‌عنوان برگزارکننده و هم‌به‌عنوان سخنران حضور

مستمر داشته است. مؤلف این کنگره را از جمله کنگره‌های مفید و هدف‌مند، و نتایج و مباحث آن را مؤثر و قابل استفاده برای نهادهای سیاست‌گذار، برنامه‌ریز و مجری می‌داند و به یقین اعتقاد دارد دستاوردهایی که از درون مباحث و ایده‌های خرد و کلان این کنگره استخراج و شکل اجرایی بگیرد کاهش در هزینه‌ها و بهره‌های فراوان مادی و معنوی در پی خواهد داشت.

کتاب حاضر که پس از برگزاری موفق ششمین کنگره و در آستانه برگزاری هفتمین کنگره همکاری‌های سه‌جانبه منتشر می‌شود، مجموعه‌ای است شامل برخی دستاوردهای کنگره‌های پیشین و نیز اطلاعات تاریخی درباره دانشگاه و صنعت، و ارتباط این دو پدیده با هم در ایران.

هدف از انتشار این کتاب دستیابی به کلیات مباحث، مطالب، راه‌کارها و دیدگاه‌هایی است که در جهت ارتباط دانشگاه و صنعت، در شش کنگره برگزار شده به‌نوعی ارائه شده است.

بدیهی است اگر گام‌های حقیر در این مسیر، مثمر ثمر واقع شود می‌تواند تجربه‌ای برای آیندگان به حساب بیاید. در ایسن کتاب پس از پیش‌گفتار، مقدمه‌ای نسبتاً مفصل از نگارنده پیرامون مهم‌ترین موضوع‌های مربوط به کنگره سه‌جانبه و راهبردهای اساسی مربوط به این مورد است که می‌تواند در میانی نظری و زیرساخت‌های فرهنگی کشور نقش داشته باشد.

جز مقدمه، کتاب در پنج فصل و هشت بخش تنظیم شده است:

فصل اول ویژه پیام‌هاست که پیام رئیس‌جمهور به کنگره پنجم، و پیام‌های سازمان علمی و فرهنگی یونسکو به کنگره‌های سوم و چهارم و پنجم را شامل می‌شود.

فصل دوم در سه بخش به زمینه‌های تاریخی ارتباط دانشگاه و صنعت اشاره دارد. به همین منظور در بخش نخست، سیر تحولات دانشگاه در ایران با توجه به یک الگوی توصیفی فراگیر ارائه شده است. در این الگوی توصیفی، کشور ما هشت دوره متوالی و متناوب را به این شرح پشت سر گذاشته است: دوره تأخیر، دوره تمهید،

دوره تکوین، دوره تشکیل، دوره تکثیر، دوره توسعه ناتمام، دوره تعطیل و تعویق، و دوره تعدیل. این هشت دوره مقطع تاریخی قرن ششم هجری تا سال ۱۳۸۱ را در برمی‌گیرد و خواننده را با تحولات گسترده آموزش عالی در سال‌های اخیر آشنا می‌سازد.

در بخش دوم، سیر تحول صنعت در ایران بررسی می‌شود. این بخش ضمن مروری بر گذشته صنعت در ایران، ویژگی‌های صنعت در دوران نوین را برشمرده و به نقش برنامه‌های توسعه در پیشرفت‌های صنعتی پرداخته است. همچنین فرآیند انتقال فن‌آوری و دانش فنی به ایران را نیز به صورت تاریخی بررسی کرده است. این مکتوب در حقیقت تئوری تحولات صنعتی-اقتصادی در ایران را از تحلیل روندهای تاریخ معاصر استخراج کرده و به خواننده ارائه می‌نماید.

بخش بعدی از این فصل، سیر تحول ارتباط دانشگاه با صنعت و وضعیت فعلی ارتباط صنعت و دانشگاه در ایران را مورد بحث قرار می‌دهد. در پایان پس از ارائه تصویری از وضعیت آینده ارتباط دانشگاه و صنعت، توصیه‌هایی برای استفاده بهتر از امکانات و شرایط موجود برای تحقق ارتباط دانشگاه و صنعت پیشنهاد کرده است.

در فصل سوم کتاب حاضر، به «کنگره سراسری همکاری‌های دولت، دانشگاه و صنعت برای توسعه ملی» پرداخته‌ایم. در بخش اول از این فصل، به سیر تحولات مربوط به شکل‌گیری کنگره و فراز و نشیب‌های پس از آن، تشکیل کمیته دائمی سیاست‌گذاری، اهم فعالیت‌های شش کنگره گذشته و نیز فعالیت‌های جانبی کنگره‌ها توجه شده و اطلاعاتی از کم و کیف برگزاری آنها ارائه شده است.

در بخش دوم از این فصل، گزیده‌ای از سخنرانی‌های صاحب‌نظران در کنگره‌های مختلف آورده شده است. این بخش با درج سخنرانی‌های پروفیسور عطاء الرحمن، وزیر فن‌آوری اطلاعات کشور پاکستان (مشاور وقت رئیس‌جمهور پاکستان در امر فن‌آوری)، دکتر محمدرضا عارف، معاون اول رئیس‌جمهور، و دکتر سید احمد

معتمدی، وزیر ارتباطات و فن‌آوری اطلاعات، آغاز و با اهم مطالب ارائه شده توسط دیگر سخنرانان کلیدی از حوزه‌های دولت، دانشگاه و صنعت ادامه یافته است. سخنرانان در دوره‌های متوالی این کنگره ارتباط سه‌جانبه دولت، دانشگاه و صنعت را از زوایای مختلف مورد بحث و بررسی قرار داده‌اند. آنها به توسعه نیز به‌عنوان نتیجه این وحدت توجه جدی کرده‌اند. برخی به اهمیت دانشگاه در تربیت نیروی انسانی برای صنعت و به حرکت درآوردن چرخ‌های توسعه و فن‌آوری پرداخته‌اند و گروهی صنعت را تعیین‌کننده سمت و سوی حرکت دانشگاه در تولید علم و فن دانسته‌اند. در این میان نیز عده‌ای مسئول ارتباط صنعت و دانشگاه را ضرورتاً سازمان یا نهادی خارج از این دو معرفی کرده‌اند و اغلب به دولت به‌عنوان واسط و رابطی امین و قدرتمند در ایجاد این ارتباط نظر انداخته‌اند. کسانی هم در این میان الگوهای موفق از کشورهای پیشرفته یا تقریباً هم‌سطح را معرفی کرده و راه آنها را برای الگوبرداری مناسب دانسته‌اند.

اما بیش از همه، در این مجموعه سخنرانی‌ها به اهمیت و نقش نیروی انسانی متخصص و ماهر در تحولات فن‌آوری، چه در صنعت و چه در دانشگاه، اشاره رفته است. به‌ویژه آنکه ایران مشحون از نیروی انسانی هوشمند و کارآمد است که با آموزش و تربیت صحیح آنها و سامان بخشیدن به نظام علم و فن‌آوری کشور می‌توان خیلی زود شاهد به بار نشستن درخت دانش در این مرز و بوم شد و از فن‌آوری بومی که محصول آن است متمتع گردید.

گسوناگونی طرح‌ها و پیشنهادهای صاحب‌نظران حاکی از استقبال برای این ارتباط است. اغلب صاحبان تجربه، به شکل گرفتن عزم متولیان امور، چه در صنعت و چه در دانشگاه و چه در دولت، اذعان نموده و آن را طلعبه‌ای روشن برای رسیدن به آرمان ارتباط صنعت و دانشگاه تلقی کرده‌اند.

پس از آن، در بخش سوم از فصل سوم، قطعنامه‌های شش کنگره گذشته با حذف مقدمات تعارف‌گونه آن، برای مطالعه و

آگاهی خوانندگان محترم درج شده است. فصل چهارم به گفتار پایانی اختصاص دارد، که این فصل نیز در دو بخش عرضه شده است. بخش اول با عنوان «سخنی در پایان و جمع‌بندی» به مباحث مطروحه قبلی نظری از بالا دارد، و در بخش دوم برخی پیشنهادات و توصیه‌ها در راستای حصول نتایجی بهتر در آینده ارائه شده است. همچنین فهرستی از منابع مورد استفاده کتاب پس از این فصل آمده است.

فصل پنجم که آخرین فصل کتاب حاضر است، به مآخذشناسی اختصاص داده شده است. در این فصل، لیست مجموعه مقالات همایش‌ها و گردهمایی‌ها با موضوع دولت، دانشگاه، صنعت و فهرست مقالات مرتبط با این موضوع در مطبوعات و فهرست کتاب‌های قابل بهره‌برداری، به‌منظور استفاده محققین و علاقمندان و سیاست‌گذاران ارائه شده است.

آنچه که در این فصل جلب توجه می‌کند عدم کتاب یا کتاب‌هایی با موضوع همکاری سه‌جانبه است. کلیه کتاب‌های موجود، به مسائل دانشگاه و توسعه آن یا صنعت و توسعه آن اشاراتی دارند، اما به مقوله همکاری این دو یا نقش دولت در این همکاری اشاره‌ای نشده است. این موضوع مؤید اهتمام به تلاش‌هایی از این نوع و دلیلی محکم بر ادامه فعالیت دبیرخانه کنگره همکاری‌های سه‌جانبه است.

در اینجا لازم می‌دانم از زحمات آقایان رضا فلاحی و میرزابابا مطهری‌نژاد که در گردآوری و تدوین و تلخیص این مجموعه همراه و همکار بودند سپاسگزاری نمایم. همچنین از عنایت آقایان دکتر جعفر توفیقی و دکتر حسن ظهور به‌خاطر همراهی در معرفی برخی منابع و اطلاعات کمال تشکر و امتنان را اعلام می‌دارم.

در پایان از کلیه نهادها، دانشگاه‌ها، وزارت‌خانه‌ها، سازمان‌ها و افرادی که دبیرخانه کنگره را یاری نموده‌اند صمیمانه تشکر می‌شود....

